مصطفی رحماندوست:

باید به استقلال کانون پرورش فکری فکر کنیم، نه انحلالش

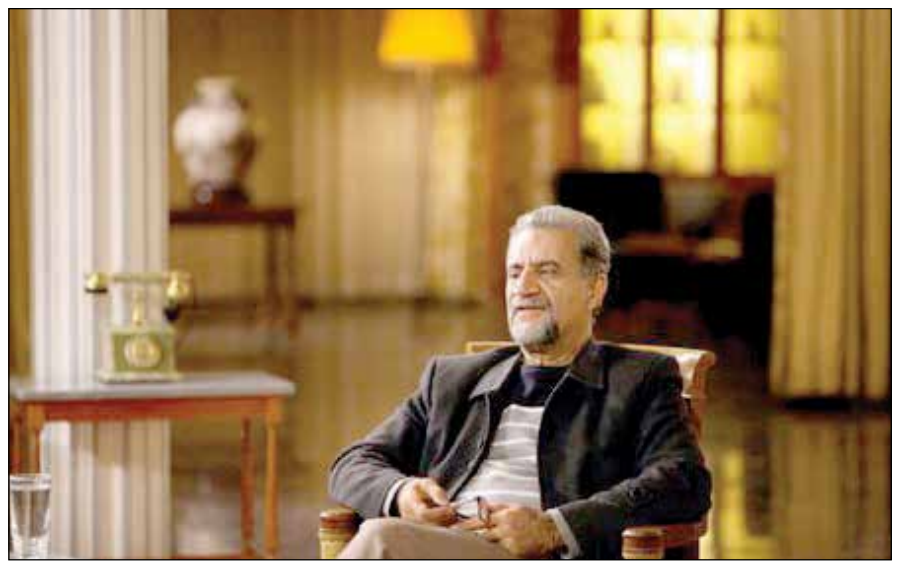

مصطفی رحماندوست معتقد است: کانون به خاطر سوء مدیریت‌ها به اینجا رسیده است و باید کاری کنیم که کانون مستقل شود.

این نویسنده در گفت‌وگویی با ایسنا در پی خبر طرح واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری به نهاد کتابخانه‌های عمومی اظهار کرد: چیزی که در این زمینه مطرح می‌شود، سوء مدیریت است؛ فکر می‌کنم دو نوع سوء مدیریت به کانون آسیب می‌زند یکی این‌که مدیرانی که بعد از آقای چینی‌فروشان آمده‌اند، توان اداره درست و حسابی کانون را نداشته و در نتیجه کانون روز به روز ضعیف‌تر شده است. سوء مدیریت بعدی این است که هر کس فکر می‌کند، از هر جایی می‌تواند به این نهاد ضربه بزند، نابودش کند و زیر دست خود بیاورد.

او افزود: این‌که چرا به فکر نابودی کانون هستند به سیاست‌های کلان فرهنگی‌مان بر می‌گردد. واقعا به مسائل فرهنگی آن‌چنان که باید توجه نمی‌شود. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که سابقه فرهنگ و هنر بسیار پرقدرتی داشته است. ما با آدم‌هایی روبه‌رو هستیم که از سران فرهنگ و هنر مملکت‌مان هستند و اتفاقا اغلبشان از کانون پا گرفته‌اند مثلا از کانون؛ فیلم‌برداری، تئاتر ، موسیقی و نوشتن را یاد گرفته‌اند و بعد یلی شدند درمیان یلان.

رحماندوست در ادامه خاطرنشان کرد: کانون در گذشته موسسه مستقلی بوده است حتی زیر پوشش دولت نبوده است. مدیر کانون مستقیما با رئیس جمهور در تماس بود، اساسنامه اولیه کانون، این را می‌گوید. سوء مدیریت‌ها کانون را تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش بُرده است، این در حالی‌ست که وزارت آموزش و پرورش نمی‌تواند خود را جمع‌وجور کند. طبق اطلاعات وزارت آموزش و پرورش در دوره کرونا ۴ میلیون نفر به دلیل نداشتن امکانات ارتباطی آنلاین از تحصیل بازماندند، از وزیر آموزش و پرورش بپرسید برای این بازماندگان چه کرده‌اند؟ آیا بعد از دو سال که ارتباطشان با آموزش و پروش و مدرسه قطع شد، امیدی به برگشتشان هست؟

او با بیان این‌که آموزش و پرورش با توجه به گستردگی وزارتخانه خود با کمبود بودجه روبه‌رو است، گفت: این وزارتخانه پُر پرسنل با سوء مدیریت‌ها به جایی رسیده که پاسخ‌گوی امور خود نیست و از پس وظیفه‌اش یعنی تعلیم و آموزش، برنمی‌آید چه رسد به نهاد کانون به این بزرگی و با این سابقه. وزارت آموزش و پرورش، وزارتخانه ضعیفی است، این را همه می‌دانند و خواه و ناخواه از این حرف‌ها در آن پیش می‌آید.

رحماندوست با بیان این‌که کانون فراز و فرود بسیار زیادی را طی کرده است، خاطرنشان کرد: اصل کار کانون الگوسازی بوده است؛ یعنی کتاب الگو بسازد تا ناشران دیگر از آن تبعیت کنند و کتابخانه‌های الگو بسازد. کانون زمانی تلاش می‌کرد در مجتمع‌های مسکونی کتابخانه‌های حاشیه‌ای درست کند تا مردم استفاده کنند اما الان نمی‌تواند به این چیزها فکر کند، زیرا در چم و خم حقوق بسیار اندک اعضای خود درمانده است. زمانی نویسنده‌های خوب با کانون ارتباط داشتند، هنرمندان خوب با آن همکاری داشتند، همه چیز فاخر و در حد عالی بود و باید به این فکر کنیم که به آن روزگار برگردیم.

او ادامه داد: اگر بخواهیم به آن روزگار برگردیم و الگوسازی کنیم باید این را در نظر بگیریم که هزینه کردن برای پرورش بچه‌ها، هزینه کردن صرف نیست بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده مملکت است. اگر پرورش خوب صورت بگیرد، ما به خیلی چیزها می‌رسیم. اگر مدیران کانون آدم‌های وارد و دلسوزی شوند و بودجه کانون هم کمی بالا برود، آن زمان این اتفاق‌ها نمی‌افتد، البته اگر کانون استقلال داشته باشد. استقلال چیزی است که از کانون گرفته شده و می‌شود به آن از همه جهت حمله کرد.

این شاعر پیشنهاد داد که کانون را از نظر اقتصادی زیر پوشش خدمات شهری قرار دهند تا هر شهری تلاش کنند تا به کانون انرژی بدهد و فرمانداران و استانداران موظف شوند بخشی از بودجه کانون را تأمین کند.

او با اشاره به این‌که سال‌هاست که کتابخانه جدیدی در کانون افتتاح نشده است، بیان کرد: اوایل انقلاب هم می‌خواستند کانون را منحل کنند اما فکر اساسی و ارزشمند شهید بهشتی و شهید مطهری در شورای انقلاب جلوی این کار را گرفت و نگذاشتند کانون مانند همه موسسات مشابه که زیر نظر «فرح» بود، منحل شود. اما کانون را حفظ کرده و سعی کردند به درد روزگار بعد از انقلاب بخورد، واقعا هم خورد. الان هم کانون مربیان و کتابدارانی دارد که حتی به حقوق کم خود فکر نمی‌کنند، دلشان خوش است که آدم‌ها را پرورش می‌دهند.

رحماندوست خاطرنشان کرد: به نظرم وزارت ارشاد، «قاچ زین خود را محکم بچسبد، سوارکاری طلبش»؛ ببیند برای سینما چه کرده، برای تئاتر چه کرده و برای موسیقی کرده است. همه از نفس افتاده اند. الان کدام هنرمند برجسته‌ای است که می‌تواند با درآمد فرهنگی و هنری، زندگی‌اش را بچرخاند؟ ارشاد به جای این‌که دنبال سامان دادن به کانون باشد، موقعیت‌هایی را که در سفره‌اش چیده‌اند سامان دهد نه این‌که کمبود دیگری را به کمبودهای خود اضافه کند و از پسش هم برنیاید.

او درباره این‌که برخی معتقدند با جدا شدن کتابخانه‌های کانون دیگر فعالیت‌های کانون از جمله فعالیت انتشارات آن‌جا را تحت شعاع قرار می‌دهد آیا بر این اساس نباید تغییری در ساختار کانون ایجاد شود، اظهار کرد: فکر می‌کنم باید کانون به اساسنامه اولیه خود باز گردد. من در جریان نوشته شدن اساس‌نامه اولیه کانون بودم؛ در آغاز انقلاب یک هیئت مدیره هفت‌نفره برای کانون در نظر گرفته بودند. من هم افتخار داشتم در کنار بزرگان بودم. اساسنامه‌ای تصویب شد و در آن اساس‌نامه که به تصویب مجلس آن زمان هم رسید، مقرر شد کانون پرورش فکری جای مستقلی باشد. البته امور تربیتی کانون هم مطرح بود. چرا امروز وزارت ارشاد سراغ امور تربیتی نرفته است؟

این نویسنده با یادآوری خاطره‌ای گفت: یکی از وزیران ارشاد در اوایل انقلاب که با من دوست بود و تازه سرکار آمده بود می‌گفت:«چطور می‌توانم ارشاد کنم و فرهنگ را بسازم در حالی که رادیو و تلویزیون زیر نظر من نیست؟» به او گفتم راست می‌گویید، باید آموزش و پروش و دانشگاه را هم به شما بدهند، مساجد را هم همین‌طور. بعد به او گفتم جاهایی را که به شما سپرده‌اند، موسیقی و سینما و کتاب را سامان بده با این حرفی که شما می‌زنیی تمام مملکت را باید در اختیارتان بگذارند. بعد او هم خندید.

او با بیان این‌که نویسنده‌ها بدشان نمی‌آید کارشان در کانون منتشر شود، اظهار کرد: با انتشار کتاب در کانون، بلافاصله کتاب‌ها به کتابخانه‌های کانون در سراسر کشور می‌رود و بچه‌ها آن‌ها را می‌خوانند. یک زمانی تیراژ کتاب‌های ما در کانون ۵۰۰ هزار نسخه بود، الان محدود شده است. کتاب‌های کانون به خاطر ساختار و شرایط کانون ارزان‌تر از جاهای دیگر است، هم مردم می‌توانند بخرند و هم به کتابخانه‌ها می‌رود و کتاب‌ها خوانده می‌شود.

رحماندوست به دورانی اشاره کرد که بچه‌ها برای کتاب‌های تازه کانون پرورش فکری، صف می‌کشیدند و ادامه داد: به جای این‌که به فکر نابودی کانون باشم، طرح‌هایی بدهیم که به استقلال کانون بینجامد. اگر کتابخانه‌های کانون را از آنجا جدا کنند، انتشارات کانون مجبور می‌شود مانند ناشران دیگر تیراژ کتاب‌ها را پایین بیاورد تا سرپا بماند اگر این اتفاق بیفتد، چون ناشر دولتی است توان رقابت با ناشران دیگر را نخواهد داشت و تعطیل خواهد شد. انیمیشن و سینما و تئاتر کانون هم از بین می‌رود، زیرا همه به کتابخانه‌ها وابسته است. کانون کارشناسان زیادی تربیت کرده که خواه و ناخواه نمی‌توانند کار کنند.

او با تأکید بر این‌که از اگر کتابخانه‌های کانون در اختیار، جاهای دیگر قرار بگیرد، دیگر تولیدات و فعالیت‌ها کانون از جمله قصه‌گویی تعطیل خواهد شد و ادامه داد: در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند برای گسترش سطح مطالعه باید قصه‌گویی را ترویج داد، در کانون ۲۵ دوره جشنواره قصه‌گویی برگزار شده و همه شرکت می‌کنند و در سطح جهانی هم مطرح است. آرزوی من این است، جشنواره به آکادمی قصه‌گویی مطرح شود و بحث علمی و تدریس قصه‌گویی به صورت آکادمیک در کانون اتفاق بیفتد تا به گسترش مطالعه بینجامد. همه این اتفاق‌ها با رفتن کتابخانه به هر موسسه و نهاد دیگری کم‌کم تعطیل می‌شود.

این نویسنده درباره اینکه شاید فعالیت‌های بخش کودک نهاد کتابخانه‌های عمومی با کتابخانه‌های کانون در تناقض نباشند،گفت: تناقض دارد؛ نهاد کتابخانه‌ها هم کم سابقه‌تر است و هم نگاه سیاسی بیشتری دارد که ممکن است برخی از خانواده‌ها نتوانند با آن کنار بیایند. اصلا چرا برنامه‌ریزی و بودجه کتابخانه‌ها نهاد را به کانون ندهند که سابقه بیشتری دارد؟ من فعالیت چشمگیری از کتابخانه‌ها نهاد کتابخانه‌ها ندیده‌ام. خوشبختانه در آنجا هم دخالت داشتم، زمانی با مدیران نهاد کتابخانه‌ها صحبت کردم در کنار کتابخانه‌ها عمومی بخشی را هم به عنوان کتابخانه کودک ترتیب دهند تا زمانی که خانواده‌ها به کتابخانه می‌آیند، بچه‌ها را با خود بیاورند. این حرکت پرورشی بود. مدیران نهاد کتابخانه‌ها هم پذیرفتند. اما این‌که نهاد کتابخانه‌ها، کتابخانه مستقلی برای کودکان داشته باشد، من ندیده‌ام یا من خبر ندارم. شاید اطلاع‌رسانی نکرده باشند. چرا کتابخانه‌های آنجا را به کانون نمی‌دهند که بودجه بیشتری بگیرد و دستش باز شود؟

مصطفی رحماندوست در پایان تأکید کرد: باید به کانون بیشتر توجه شود. کانون خیلی حیف است زیرا تنها موسسه‌ای‌ست که در این منطقه جغرافیایی آن‌قدر گسترده است، در هم جا هم شعبه دارد. باید به استقلال و بودجه بیشتر کانون فکر کنیم نه انحلالش.

ایرنه پاپاس در ۹۶ سالگی درگذشت

سکانس آخر بازیگر «هند جگرخوار»

«ایرنه پاپاس» بازیگر نامدار سینمای یونان که در فیلم «محمد رسول الله» در نقش «هند جگرخوار» بازی کرده بود، در سن ۹۶ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از لیبراسیون، وزارت فرهنگ یونان از درگذشت «ایرنه پاپاس» بازیگر افسانه‌ای سینمای این کشور خبر داد که در طول ۵۰ سال فعالیت هنری خود، در بیش از ۷۰ فیلم سینمایی بازی کرده بود. این بازیگر در ایران بیشتر به سبب بازی در نقش «هند جگرخوار» همسر ابوسفیان در فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله» ساخته مصطفی عقاد در سال ۱۹۷۶ شناخته می‌شود. ایرنه پاپاس در سال ۱۹۹۵، جایزه نشان ققنوس را از رئیس جمهور وقت یونان «کوستیس استفانوپولوس» به پاس یک عمر دستاورد سینمایی دریافت کرد. «ماندولین کاپیتان کارولی»، «آتیلا»، «توپ‌های ناوارون»، «الکترا»، «زوربای یونانی»، «زد»، «یک هزار روز از آن»، «محمدرسول الله»، «مسیح در ابولی توقف کرد»، «عمر مختار»، «در دل شب»، «یک تصویر ناطق» و ... از دیگر فیلم‌های این بازیگر یونانی محسوب می‌شود.

«پاپاس» در سال ۱۹۶۱ برای بازی در فیلم «آنتیگونه» بهترین بازیگر جشنواره فیلم برلین نام گرفت و در سال ۱۹۸۷ نیز ریاست هیات داوران جشنواره ونیز را بر عهده داشت. او همچنین جایزه بهترین بازیگری جشنواره تسالونیکی و جایزه بهترین بازیگر زن از سوی هیات ملی نقد آمریکا را نیز در کارنامه داشت.

علی قوی‌تن، کارگردان «رویای سهراب»

تولید فیلم درباره سهراب سپهری پیشنهاد خسرو شکیبایی بود

«رویای سهراب» به کارگردانی علی‌قوی‌تن زندگیِ سهراب سپهری شاعر نام‌آشنای ایرانی را به تصویر می‌کشد. این فیلم در خارج از ایران نیز نمایش‌هایی داشته است. قوی‌تن در گفتگو با هنرآنلاین درباره شرایط تولید و اکران این اثر گفت: پیش از این‌که فیلم را در ایران اکران کنیم، در خارج از ایران، توفیق را دیدیم. «رویای سهراب» در پنج جشنواره معتبر اکران و پسندیده شد.

وی ادامه داد: تقاضا برای اکرانِ عمومی در آلمان، استرالیا، کانادا و آمریکا وجود دارد و بناست به‌زودی در خارج از ایران به نمایش گذاشته شود. کشورهای فرانسه و ترکیه نیز از دیگر گزینه‌های اکرانِ عمومی هستند. برای من افتخار است که این فیلم در شهرهای بخارا و سمرقند به نمایش گذاشته و از آن بسیار استقبال شد. کارگردان «رویای سهراب» که ایفای نقشِ سهراب سپهری را نیز بر عهده داشته، دربارهٔ شرایط ساخت و دشواری‌های پیشِ‌روی تولید گفت: ابتدا تصمیم بر این بود که فیلم شکل و شمایلِ بیوگرافی داشته باشد. در آن زمان، هزینهٔ تولید فیلم بینِ ۸ تا ۱۰ میلیارد تومان تخمین زده می‌شد و سرمایه‌گذار هم پیدا شده بود اما مورد تأیید ارشاد قرار نگرفت. در حالِ حاضر این فیلم به‌صورت مستقل با سرمایهٔ شخصی ساخته شده است. ما سالِ ۹۷ با توجه به افزایشِ ناگهانیِ قیمت‌ها، بخشی از روندِ تولید را طی کردیم اما در مرحلهٔ جلوه‌های بصری و صداگذاری با کمبودِ بودجه مواجه شدیم و از بنیاد سینمایی فارابی کمک گرفتیم. کمک‌هزینهٔ بنیاد تنها صرفِ جلوه‌های بصریِ فیلم شده و دیگر مخارجِ از سرمایهٔ شخصی است. قوی‌تن دربارهٔ واکنشِ برخی رسانه‌ها نسبت به مأخذِ مالیِ فیلم «رویای سهراب» ابرازِ ناراحتی کرد و گفت: برخی رسانه‌ها منبعِ مالیِ فیلم را بنیاد سینمایی فارابی می‌خوانند. در حالی که برای تولید «رویای سهراب» از سرمایهٔ شخصی هزینه شده و تنها یارانه‌ای از سوی بنیاد به ما تعلّق گرفته است. اگر من با هزینه‌های ساخت این فیلم سرمایه‌گذاریِ دیگری می‌کردم، سود بیشتری به دستم می‌رسید اما هرگز پشیمان نیستم چون سرمایهٔ خود را صرف ساختنِ فیلمی کرده‌ام که در تاریخ ماندگار می‌شود و به‌مثابهٔ کتابی نفیس در گنجینهٔ فرهنگیِ ایران باقی می‌ماند و آیندگان از آن استفاده خواهند کرد. ساختِ فیلم «رویای سهراب» افتخاری است برای ما؛ این‌که از یکی از تأثیرگذارترین شاعرانِ ایران فیلمی را به تصویر بکشیم. سهراب ماندگار است و فیلمی دربارهٔ‌اش، او را ماندگارتر می‌کند. این دِینی است که ما از مفاخر، شعرا، هنرمندان و بزرگانِ ایران به گردن داریم.

این کارگردانِ سینما دربارهٔ مشکلاتی که اکران این فیلم را دستخوشِ تغییر کرده گفت: در دهه‌های قبل، هم فیلم‌های باارزشی وجود داشت، هم این فیلم‌ها فروش می‌رفتند هم سینمادارها برای‌شان صبر و تأمل می‌کردند تا تماشاچی‌شان را پیدا کنند. هر چند در سینمایی مانند سینمای شهر آفتاب در شیراز، ما سانس‌های خوبی برای اکران داشتیم و قسمتِ زیادی از فروش‌مان از آن‌جا بود اما در تهران اتفاقاتِ خوبی برای فیلم نیفتاد؛ برای مثال فیلم در سانس‌هایِ مُرده اکران می‌شد. حتی فیلم‌هایی که ظاهراً هیاهو دارند و اصطلاحاً «بفروش»اند، در سانسِ مُرده با ظرفیت کم، فروشی نخواهند داشت، چرا که سالن خالی است. بنابراین «رویای سهراب» بعد از دو هفته، در تهران لغو اکران شد. حتی بسیاری از مخاطبین دنبالِ این فیلم گشتند، اما سینمایی را برای تماشا پیدا نکردند یا حتی پوسترِ آن را هم نمی‌دیدند.

قوی‌تن همچنین از اقبالِ عمومی نسبت به فیلم‌های شاعرانه ابرازِ ناراحتی کرد و در ادامه گفت: من سینماگرِ مستقلی هستم که ۳۵ سال در سینما کار کرده و با چشم باز این فیلم را ساخته‌ام و از ابتدا می‌دانستم این نوع فیلم‌ها برای سازندگان تنها عاقبت‌به‌خیری می‌آورد نه پول. این فیلم‌ها می‌مانند و مردم تا سالیان آن را خواهند دید. این فیلم‌ها همانند کتابی‌اند که همه سراغ‌شان نمی‌روند. بنابراین ما ضرر نخواهیم کرد. علی قوی‌تن، کارگردانِ فیلم «رویای سهراب» دربارهٔ زمینه‌های ساختن فیلمی با محوریت زندگیِ سهراب سپهری گفت: سالِ ۸۱ و با توجه به علاقهٔ قبلی که به سهراب سپهری، شعرها و سبک زندگی‌اش داشتم، تصمیم به ساختن مستندی از زندگیِ او گرفتم و با افرادی چون معصومه جیحون، مشفق کاشانی، فهیمه راستکار و دیگر افرادی که همسن و سالِ او بودند و با او مراوده داشتند، مصاحبه کردم. این افراد اطلاعاتی از سهراب در اختیارِ من قرار دادند؛ از جمله مکان‌هایی که او در کاشان و اطراف می‌رفت یا کشورهایی که دیده بود. تحقیقاتِ من دربارهٔ سهراب، هم میدانی بود هم کتابخانه‌ای و در نهایت به این نتیجه رسیدم که مستند را ارائه نکنم و کار در نیمهٔ راه متوقف شد. او دربارهٔ علّت توقف مستند توضیح داد: آن زمان تصمیم گرفتم مستند و پژوهشم تا این‌جا باقی بماند و در آینده آن را به سرانجام برسانم. اما سالِ ۸۵ و هنگام ساخت فیلم «نسکافهٔ داغِ داغ»، مرحوم خسرو شکیبایی بارها ابراز کرد که من شبیه سهراب سپهری هستم و پیشنهاد کرد فیلمی دربارهٔ این شاعرِ بزرگ بسازم و خود نیز در نقشِ او بازی کنم. این پیشنهاد فکرِ مرا مشغول کرد و از آن‌جا که از پیش تحقیقاتی در این‌باره کرده بودم، به نگارشِ فیلمنامه اقدام کردم. چند بار فیلمنامهٔ زندگیِ او را نوشتم اما نپسندیدم. در نهایت سالِ ۹۶ به نتیجه رسیدم و فیلم به تولید رسید.

با نگاهی به حذف احتمالی معافیت مالیاتی فعالان صنایع دستی

گره فرش ایرانی را کورتر نکنیم

در حالی که بر اساس وعده‌های قبلی بیمه هنرمندان و صنعتگران صنایع دستی مجددا برقرار شده است، اما در کنار این خبرِ خوش، این روزها زمزمه‌هایی مبنی بر لغو معافیت مالیاتی هنرمندان و شاغلان صنایع دستی به گوش می‌رسد.

به گزارش ایسنا، قانون ۱۴۲ مالیات‌های مستقیم را شاید بتوان از حمایت‌های اصلی فعلی دانست که شاملِ حالِ شاغلان و فعالان صنایع دستی شده است؛ حمایتی که به نظر می‌رسد حالا با اما و اگرهایی همراه شده است.

لایحه‌ای که از سوی وزارت اقتصاد و امور دارایی مبنی بر لغو معافیت مالیاتی هنرمندان و شاغلان صنایع دستی ارائه شده، این شائبه را در پی داشته است که چترِ حمایت دولت از شاغلان و فعالان صنایع دستی بسته می‌شود. و این در حالی است که برخی مسئولان مانند معاون تولید مرکز ملی فرش ایران اظهار می‌کنند که این لایحه هنوز به صورت قطعی تصویب نشده است.

در عین حال برخی فعالان نیز در صحبت‌های غیررسمی خود با خبرنگار ایسنا اظهار دارند که این لایحه به صورت جدی در کمیسیون اقتصادی دولت در حال بررسی است و در همین راستا نگرانی‌ها بیشتر شده است.

یاسر حنیفی، معاون تولید مرکز ملی فرش ایران در گفت‌وگویی با ایسنا با اشاره به قطعی نشدنِ این مسأله می‌گوید: «این موضوع پیشنهاد وزارت اقتصاد و امور دارایی است. در لایحه جدید پیشنهاد شده تا اکثر معافیت‌های مالیاتی حذف شوند و خیلی‌ها مخالفت کردند. این موضوع فعلا در کمیسیون اولیه درحال بررسی است اما کماکان حذف آن تأیید نشده منتها ما باید دلایلی برای توجیه این معافیت عرضه کنیم و در حال تلاش هستیم که این موضوع از قانون مالیات‌های مستقیم حذف نشود.»

او درباره تبعات حذفِ معافیت مالیاتی شاغلان و فعالان صنایع دستی اظهار می‌کند: «این حذف شدن منجر به کاهش فعالیت کارگاه‌های تولیدی می‌شود.

همین الان هم با توجه به شرایط اقتصادی، واحدها خیلی سخت فعالیت خود را ادامه می‌دهند.

پیش بینی ما این است که تولید کارگاهی به شدت کاهش پیدا می‌کند و این درحالی است که تولید کارگاهی یک تولید هدفمند و اقتصادی است. حذف معافیت مالیاتی کارگاه‌ها منجر به تولیدهای تک بافت و کور می‌شود که می‌تواند همین اقتصاد نابه‌سامانِ فرش را هم تحت تأثیر قرار دهد.»

اخبار کوتاه

اصغر فرهادی رئیس هیات داوران جشنواره زوریخ شد

اصغر فرهادی فیلمساز ایرانی به عنوان رئیس هیات داوران بخش مسابقه اصلی جشنواره فیلم «زوریخ» در کشور سوئیس انتخاب شد. به گزارش ایسنا، هجدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «زوریخ» از تاریخ ۲۲ سپتامبر تا دوم اکتبر (۳۱ شهریور تا دهم مهر ماه) در کشور سوئیس برگزار می‌شود و اصغر فرهادی ریاست هیات داوران بخش مسابقه اصلی را بر عهده خواهد داشت. در کنار فرهادی، «کلیو بارنارد» فیلمساز بریتانیایی، «پترا ولپه» فیلمساز سوئیسی، «پیودور گوستاوسن» تهیه کننده سوئدی و «دنیل درایفوس» تهیه کننده آمریکایی دیگر اعضای هیات داوران بخش مسابقه بین‌المللی جشنواره فیلم زوریخ را تشکیل می‌دهند و مسئولیت انتخاب برنده جایزه چشم طلایی بهترین فیلم (به همراه جایزه نقدی بیش از ۲۵ هزار دلاری) را بر عهده دارند.

اصغر فرهادی که در دوره امسال جشنواره کن یکی از داوران اصلی بود، پیش از این در چندین جشنواره سینمایی دیگر چون برلین سابقه ریاست و یا حضور در میان اعضای هیات داوران را دارد. فیلم سینمایی «تا فردا» ساخته علی عسگری در بخش مسابقه فیلم‌های بلند، «خرس نیست» ساخته جعفر پناهی در بخش «گالا» و «برادران لیلا» ساخته سعید روستایی نیز در بخش نمایش‌های ویژه این رویداد سینمایی به نمایش گذاشته می‌شوند. فیلم «قصیده گاو سفید» سال گذشته ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم و تهیه‌کنندگی غلامرضا موسوی در بخش مسابقه اصلی این رویداد حضور داشت در نهایت تقدیر ویژه هیات داوران را به خود اختصاص داد.

انتقاد برنده شیر طلا از خانواده «کلینتون»

«لورا پویترس» مستندساز آمریکایی از جشنواره‌های سینمایی «ونیز» و «تورنتو» برای نمایش مستندی خانواده «کلینتون» به شدت انتقاد کرد. به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی، «لورا پویترس» چند روز پس از کسب جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم «ونیز» با مستند «تمام زیبایی و خونریزی» برای نمایش این اثر جدید به جشنواره تورنتو کانادا رفته است. این مستندساز در جشنواره تورنتو درباره مستند جدیدش که به جشنواره‌های تلوراید و نیویورک نیز دعوت شده و به زندگی عکاس و فعال سیاسی «نان گلدین» پرداخته گفت که خیلی فکر کرده که آیا از جشنواره‌های سینمایی که از او تقدیر کرده انتقاد کند یا خیر؟! اما روزنامه نگاران باید پرسش‌های اساسی و دشوار را مطرح کنند. «پویترس» که در کنفرانس مستند جشنواره تورنتو صحبت می‌کرد ادامه داد: «هیچ چیز جدی‌تر از پیگرد قانونی جولیان آسانژ، تهدیدکننده متمم قانون اساسی آمریکا (درباره آزادی بیان و اعتقاد) و روزنامه‌نگاری جهانی نیست. بنیانگذار ویکی لیکس با خطر استرداد به ایالات متحده مواجه است، جایی که وی تحت قانون جاسوسی به دلیل نقشش در انتشار افشاگری در مورد جنایات جنگی ایالات متحده در افغانستان و عراق تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت». این مستندساز برنده اسکار ادامه داد: «این به معنای واقعی کلمه مهم‌ترین مسئله‌ای است که روزنامه‌نگاری در سراسر جهان در حال حاضر با آن مواجه است و دیدن برخی از قدرتمندترین افراد جهان، مانند هیلاری کلینتون که روی فرش قرمز در ونیز و در تورنتو راه می‌روند و چیزی نمی‌گویند، نگران‌کننده است. نمایش آثار مستند خانواده کلینتون‌ها به معنای دخیل شدن در نوعی «ماست مالی» از جانب آنها است. هیلاری کلینتون فعالانه در جنگ‌ها و اشغال عراق و افغانستان مشارکت داشت و حامی افزایش شمار نیروها بوده و واقعا ناراحت کننده است که همه اینها در حال فراموش شدن است و ما در حال ارائه یک پلتفرم به آنها هستیم». «هیلاری کلنتون» به همراه دخترش «چلسی کلینتون» برای حمایت از مجموعه مستند جدیدشان با عنوان «Gutsy» محصول کمپانی اپل و همچنین مستند «در دستان او» که «کلینتون» تهیه‌کنندگی آن را بر عهده داشته در جشنواره «ونیز» و «تورنتو» حضور یافته‌اند. «پویترس» در سال ۲۰۱۵ برای فیلم «سیتیزن فور» بر اساس زندگی «ادوارد اسنودن» کارمند سابق اداره اطلاعات مرکزی آمریکا موفق به کسب جایزه اسکار بهترین مستند بلند شد.

فیلم نوید محمدزاده مشتری خارجی پیدا کرد

حق نمایش فیلم «تفریق» ساخته جدید مانی حقیقی همزمان با حضور در جشنواره تورنتو به چند کشور فروخته شد.

به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی، کمپانی «Films Boutique» مستقر در آلمان که حق پخش بین‌المللی فیلم «تفریق» ساخته جدید مانی حقیقی را بر عهده دارد و یکی از تهیه‌کنندگان این فیلم نیز هست؛ از انعقاد چند قرارداد نمایش مهم برای اکران این فیلم سینمایی خبر داد.

کمپانی «Diaphana» حق پخش این فیلم را در فرانسه (با همکاری کینوویستا) بر عهده گرفته و «September Films» نیز حق نمایش فیلم جدید مانی حقیقی را در کشورهای هلند، بلژیک و لوکزامبورگ را بر عهده خواهد داشت. فیلم «تفریق» با بازی ترانه علیدوستی و نوید محمدزاده در مرکز شهر تهران اتفاق می‌افتد و داستان فرزانه، مربی رانندگی جوانی را دنبال می‌کند که شوهرش جلال را در حال قدم زدن به آپارتمان زنی می‌بیند. وقتی جلال با او روبرو می‌شود، ادعا می‌کند که برای کار، خارج از شهر بوده است و تصمیم می‌گیرد خودش ساختمان را بررسی کند. در آنجا با زنی آشنا می‌شود که همزاد فرزانه است. «ژان کریستوف سایمون» مدیر اجرایی کمپانی «Films Boutique» در این باره گفت: «مانی حقیقی یک فیلمساز جادویی است و همیشه جایی است که انتظارش را ندارید. «تفریق» فیلمی است که همیشه در لبه سنت سینمای ایران قرار دارد و با بُعد سیاسی قوی اما عناصر هیجان‌انگیزی نیز دارد که احتمالاً انتظار ندارید در فیلمی از این منطقه ببینید. فوق العاده است که شانس همکاری با توزیع کنندگان برجسته و دوستداران جسور این را داشته‌ایم». «تفریق» محصول مشترک ایران و فرانسه است و توسط مرکز ملی سینما و تصویر متحرک فرانسه پشتیبانی می‌شود. این فیلم نخستین نمایش جهانی خود را در چهل و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو و در بخش رقابتی پلتفرم تجربه می‌کند.

آلکاراس نماینده سینمای اسپانیا در اسکار شد

«آلکاراس» برنده جایزه خرس طلایی بهترین فیلم جشنواره برلین،نماینده رسمی سینمای اسپانیا در اسکار ۲۰۲۳ شد.

به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، توسط آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسپانیا فیلم «آلکاراس» ساخته «کارلا سیمون» را در رقابت با دو فیلم قدرتمند دیگر شامل «لالایی» ساخته «آلودا رویز آزوا» و «جانوران» به کارگردانی «رودریگو سوروگوین» به عنوان نماینده اسپانیا در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار انتخاب کردند. این فیلم با توجه به کسب جایزه خرس طلایی بهترین فیلم از شانس‌های راهیابی به جمع نامزدهای نهایی اسکار بین‌المللی محسوب می‌شود. این فیلم درباره خانواده‌ای از مزرعه‌دارن هلو در یک روستای کوچک کاتالونیا است که با مرگ صاحب ملک و تصمیم وارث مادام العمر او به فروش زمین، زندگی آنها دستخوش تغییر می‌شود. آلکاراس نخستین فیلم ساخته «کارلا سیمون» کارگردان اسپانیایی پس از فیلم «تابستان ۱۹۹۳» در سال ۲۰۱۷ است. سینمای اسپانیا چهار جایزه اسکار بین‌المللی (بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان) و ۱۶ نامزدی در این شاخه در کارنامه دارد و «درد و شکوه» ساخته «پدرو آلمودوار» آخرین فیلم اسپانیایی بود که در سال ۲۰۲۰ نامزد کسب این جایزه بود و «دریای درون» اثر «آلخاندرو آمنابار» نیز آخرین عنوان از سینمای اسپانیست که در سال ۲۰۰۵ این جایزه را از آن خود کرد. مهلت معرفی نمایندگان منتخب کشورها برای رقابت در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار ۲۰۲۳، تا سوم اکتبر ۲۰۲۲ (۱۱ مهر ماه ۱۴۰۱) است و کمیته اسکار کشورها تا این تاریخ فرصت دارند نماینده رسمی سینمای خود را به آکادمی اعلام کنند. فهرست نامزدهای اولیه شاخه بهترین فیلم بین‌المللی جوایز اسکار شامل ۱۵ فیلم در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲ (۳۰ آذر) و ۵ نامزدهای نهایی نیز روز ۲۴ ژانویه ۲۰۲۳ (۴ بهمن) معرفی می‌شوند.